Kanoon.ir

شما با دانلود این نمونه سوال، کد تخفیف خرید کتاب از سایت کانون بوک دریافت می کنید.

برای دریافت کد جایزه خود، عدد 33 را به سر شماره 90008451 ارسال کنید.



تمرین بیشتر نمونه سوالات امتحانی با کتاب های پرتکرار

همین حالا جایزه خود را دریافت کنید.

kanoonBook.ir

www.kanoon.ir

نمره به عدد: نمره به حروف:	به نام خدا اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۵ شهر تهران	محل مهر یا امضا مدیر سوال

شماره صندلی: **نام و نام خانوادگی:** **نام پدر:**	**نام واحد آموزشی: دبیرستان ابن سینا** سوال امتحان درس:نگارش پایه:دوازدهم رشته:ریاضی نام دبیر:سرکارخانم محمدی نوبت امتحانی **دی ماه** سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳	وقت امتحان:۱۰۰دقیقه تاریخ امتحان: ۰۳ / ۱۰ / ۱۴۰۳ تعداد سوالات: تعداد صفحات:۲

ردیف	*دانش آموزعزیزم لطفا با خودکارآبی و خط خوانا به سوالات پاسخ دهید*	نمره

بازشناسی(۲نمره)

۱ **متن زیر بخشی از یک خاطره است آن را بخوانید و به موارد خواسته شده پاسخ دهید.** ۲

هیچ گاه تابستان سال ۷۰ را فراموش نمی کنم ما به خانه عمویم درکاشان رفته بودیم همراه پسر عمویم به باغهای اطراف کاشان می رفتیم چیدن انجیر و انار از درخت خیلی کیف داشت .همراه عمویم به شکار رفتیم.عموی کوچکم تیراندازی را به من یاد داد. اولین پرنده ای که شکار کردم پرنده ای کوچک بود. هرگز شکارخشنودم نکرد. اما شکار رادوست داشتم.
شکار بود که مرا به صحرا می کشید.درشکار بودکه طبیعت راخوب فهمیدم به پوست درخت دست می کشیدم. در آب روان دست و رو می شستم. در باد روان می شدم .چه شوری برای تماشای طلوع و غروب خورشید لذت بخش بود.
خوابیدن در دشت زیر نور مهتاب گرمای مطبوع آتش در شب و گوش سپردن به خاطرات عمو و پدرم در آن تابستان من خودم را یافتم.

الف) موضوع:	
ب) زاویهٔ دید:	
ج) شروع بر اساس:	
د) سادگی و صمیمیت زبان:	

سازه های نوشتاری(۴نمره)

۲ **حکایت زیر را بخوانید وآن را به زبان ساده بازنویسی کنید** ۱

روزی شخصی نزد طبیب رفت و گفت : شکم من به غایت درد می کند ، آن راعلاج کن که بی طاقت شده ام . طبیب گفت : امروز چه خورده ای ؟ مریض گفت : نان سوخته . طبیب غلام خود را گفت : داروی چشم را بیاور تا در چشم او کشم ! مریض گفت : من درد شکم دارم ، داروی چشم را چه کنم ؟ طبیب گفت : اگر چشمت روشن بودی ، نان سوخته نخوردی" !

۳ **یکی از دو مثل زیر را ابتدا علامت بزنید سپس در حد چهار سطر گسترش دهید.** ۱

۱-به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی است.☐ **۲-از دل برود هر آنکه از دیده برفت.☐**

www.kanoon.ir

صفحه ی اول سوالات_ادامه درصفحه ی دوم

نام و نام خانوادگی:	شماره صندلی:	آزمون درس:	پایه ورشته:

۴ **بیت زیر را بخوانید و دریافت خود را از آن بنویسید.** ۲

عشق شوری در نهاد ما نهاد*جان ما در بوته سودا نهاد

گفت و گویی در زبان ما فکند*جست و جویی در درون ما نهاد

نوشتن متن (۱۴نمره)

۵ **یکی ازموضوعات زیر را انتخاب کنید و درمورد آن متنی بنویسید.** ۱۱

۱. یکی از خاطرات به یاد ماندنی تان(ترجیحا طنز) درباره فضای مجازی را بنویسید. ☐

۲. متنی ادبی درباره ی عشق به پروردگاررا بنویسید.☐

_رعایت علائم نگارشی در متن(۱ نمره) _رعایت املای صحیح واژگان و عبارات(۲نمره)

www-kanoon.ir

نمره به عدد: نمره به حروف:	به نام خدا اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۵ شهر تهران	محل مهر یا امضا مدیر سوال

شماره صندلی: **نام و نام خانوادگی:** **نام پدر:**	**نام واحد آموزشی: دبیرستان ابن سینا** سوال امتحان درس:نگارش پایه:دوازدهم رشته:ریاضی نام دبیر:سرکارخانم محمدی نوبت امتحانی **دی ماه** سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳	وقت امتحان:۱۰۰دقیقه تاریخ امتحان: ۰۳ / ۱۰ / ۱۴۰۳ **کلید سوالات** تعداد صفحات:۲

ردیف	*دانش آموزعزیزم لطفا با خودکارآبی و خط خوانا به سوالات پاسخ دهید*	نمره

بازشناسی(۲نمره)

۱ **متن زیر بخشی از یک خاطره است آن را بخوانید و به موارد خواسته شده پاسخ دهید.** ۲

هیچ گاه تابستان سال ۷۰ را فراموش نمی کنم ما به خانه عمویم درکاشان رفته بودیم همراه پسر عمویم به باغهای اطراف کاشان می رفتیم چیدن انجیر و انار از درخت خیلی کیف داشت .همراه عمویم به شکار رفتیم.عموی کوچکم تیراندازی را به من یاد داد. اولین پرنده ای که شکار کردم پرنده ای کوچک بود. هرگز شکارخشنودم نکرد. اما شکار رادوست داشتم.
شکار بود که مرا به صحرا می کشید.درشکار بودکه طبیعت راخوب فهمیدم به پوست درخت دست می کشیدم. در آب روان دست و رو می شستم. در باد روان می شدم .چه شوری برای تماشای طلوع و غروب خورشید لذت بخش بود.
خوابیدن در دشت زیر نور مهتاب گرمای مطبوع آتش در شب و گوش سپردن به خاطرات عمو و پدرم در آن تابستان من خودم را یافتم.

الف) موضوع:	**سفرتابستان (۰/۵)**
ب) زاویهٔ دید:	**اول شخص (۰/۵)**
ج) شروع بر اساس:	**براساس زمان(۰/۵)**
د) سادگی و صمیمیت زبان:	**نثری صمیمی و شاعرانه(۰/۵)**

سازه های نوشتاری(۴نمره)

۲ **حکایت زیر را بخوانید وآن را به زبان ساده بازنویسی کنید** ۱

روزی شخصی نزد طبیب رفت و گفت : شکم من به غایت درد می کند ، آن راعلاج کن که بی طاقت شده ام . طبیب گفت : امروز چه خورده ای ؟ مریض گفت : نان سوخته . طبیب غلام خود را گفت : داروی چشم را بیاور تا در چشم او کشم ! مریض گفت : من درد شکم دارم ، داروی چشم را چه کنم ؟ طبیب گفت : اگر چشمت روشن بودی ، نان سوخته نخوردی" !
روزی فردی به نزد پزشکی رفت وگفت : معده من به شدت درد می کند ، آن را معالجه کنید زیرا که نمی توانم تحمل کنم . پزشک گفت : امروز چه چیزی خورده ای ؟ بیمار گفت : نان سوخته . پزشک به منشی خود گفت : داروی چشم را بیاورید تا در چشم او بریزم . مریض گفت : من معده درد هستم ، داروی چشم به چه درد من می خورد ؟ پزشک گفت اگر خوب می دیدی نان سوخته را نمی خوردی .

---

۳ **یکی از دو مثل زیر را ابتدا علامت بزنید سپس در حد چهار سطر گسترش دهید.** ۱

۱-به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی است.☐ ۲-از دل برود هر آنکه از دیده برفت.☐

گسترش هر کدام از ضربالمثل ها متناسب با مفهوم آن(تشخیصی به عهده دبیر)

صفحه ی اول سوالات_ادامه درصفحه ی دوم

www.kanoon.ir

نام و نام خانوادگی:	شماره صندلی:	آزمون درس:	پایه ورشته:

۴ **بیت زیر را بخوانید و دریافت خود را از آن بنویسید.** ۲

عشق شوری در نهاد ما نهاد*جان ما در بوته سودا نهاد

گفت و گویی در زبان ما فکند*جست و جویی در درون ما نهاد

بیت اول:عشق آشوب و فتنه ای در وجود و سرشت ما گذاشت(۰.۵)

جان ما در کوره کوزه گری قرار داد و مارا آزمود(۰.۵)

بیت دوم:عشق مارا به سخن گفتن برانگیخت(۰.۵)

و شوق پژوهش و کاوش را در درون ما قرارداد(۰.۵)

نوشتن متن (۱۴نمره)

۵ **یکی ازموضوعات زیر را انتخاب کنید و درمورد آن متنی بنویسید.** ۱۱

۱. یکی از خاطرات به یاد ماندنی تان(ترجیحا طنز) درباره فضای مجازی را بنویسید. ☐

۲. متنی ادبی درباره ی عشق به پروردگاررا بنویسید.☐

_رعایت علائم نگارشی در متن(۱ نمره) _رعایت املای صحیح واژگان و عبارات(۲نمره)

خوش آغازی ۱ نمره _پرورش موضوع یا شیوهٔ بیان نوشته ۹ نمره_ خوش فرجامی ۱ نمره _رعایت نشانه های نگارشی ۱ نمره _املای واژگان ۲ نمره